

از عراق تا عراق

خاطرات سردار سرتیپ ۲ پاسدار

عبدالحسین رحیمی

مؤلف:

عباس میرزایی

میرزایی، عباس؛ ۱۳۳۵ -

از عراق تا عراق: خاطرات سردار سرتیپ ۲ پاسدار عبدالحسین رحیمی / گردآورنده
عباس میرزایی. -- کرمان: ودیعت، ۱۳۸۴.
۱۱۲ ص.؛ مصور (ونگی).

ISBN: 964-7805-59-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- خاطرات. الف. میرزایی، عباس، ۱۳۳۵ -
ب. عنوان. ج. عنوان: خاطرات سردار سرتیپ ۲ پاسدار عبدالحسین رحیمی.
DSR ۱۶۲۹ / ۳۲ الف ۴
۹۵۵ / ۰۸۴۳

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران

م ۸۴-۱۹۹۹۵

نام کتاب:

از عراق تا عراق

ناشر:

انتشارات ودیعت

مؤلف:

عباس میرزایی

طرح جلد:

مسعود ودیعتی زاده

حروف چینی و صفحه آرایی: معصومه زمانی

تیراژ:

۲۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ انتشار:

اول، ۱۳۸۴

چاپ و تصافی:

چاپخانه بزرگ قرآن کریم

قیمت:

۱۵۰۰ تومان

ISBN: 964-7805-59-4

شابک: ۹۶۳-۷۸۰۵-۵۹-۲

کرمان: میدان شهداء تلفن: ۰۳۲۱-۲۲۳۹۵۶۲

این اثر با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

استان کرمان به چاپ رسیده است.

مقدمه

یک روی سکه جنگ کشتار و ویرانی و نابودی سرمایه‌های ملی و زیرساخت‌های اقتصادی و مرگ زنان بی‌گناه و کودکان معصوم و مردان و جوانان رزمنده‌ای است که بودندشان نوید فردایی بهتر و مملکتی آباد و آزاد می‌داد و خسارت از دست دادنشان جبران‌ناپذیر است. شهادت بیش از ۲۰۰ هزار نفر از نیروهای کارآمد و توانا و مستعد ایران زمین و خسارات مادی و معنوی ناشی از جانباز شدن حدود ۲۰۰ هزار نفر دیگر از مؤمن‌ترین جوانان و ده‌ها هزار اسیر و تعداد زیادی مفقودالاثر و بی‌سرپرستی هزاران خانواده و ده‌ها هزار زن و کودک ایرانی و مبالغه‌هنگفتی که خرج معالجه مصدومین و مجروحین شیمیایی می‌شود و نیز عقب ماندگی و ویرانی استان‌های مرزی و تحمیل هزینه‌های فوق‌العاده به کشور همه یک روی سکه جنگ است، اما سکه جنگ یک روی دیگر نیز دارد، بویژه اگر یک سوی جنگ کشوری باشد در حمایت شرق و غرب و مرتجعان عرب و سوی دیگر کشوری تنها با مردمانی که می‌خواهند دست نیاز به سوی ابرقدرت‌ها دراز نکنند و مستقل باشند، در این صورت چنین جنگی برکتی می‌شود که با خود استقلال و خودکفایی و رشد و خودباوری می‌آورد و مردان و زنانی را به جهان معرفی می‌کند که هریک می‌توانند الگو و نمونه‌ای باشند برای نسل‌های آینده تا درس ایمان و شجاعت و از خودگذشتگی را از ایشان بیاموزند و چگونه زندگی کردن و خوب مردن را یاد بگیرند.

جنگی که ۸ سال به این مرز و بوم تحمیل شد چنین نمونه‌هایی را بسیار معرفی کرد، مردانی که جان بر کف گرفتند تا نثار راه دوست کنند و دفاع را تکلیف دانستند و با اراده‌های متکی بر ایمان بر خصم زبون تاختند و در سخت‌ترین شرایط لحظه‌ای از آرمان‌های خود دست نکشیدند و هرگز قدمی به عقب نگذاشتند و بیعت نشکستند.

سردار عبدالحسین رحیمی یکی از این نمونه‌ها می‌تواند باشد، مردی که با اخلاص و تعهد و ایمان به جبهه‌ها شافت تا در راه اسلام و میهن اسلامی جان فدا کند و بارها تا مرز شهادت رفت و از آزمون‌های بسیاری سرافراز و سربلند بیرون آمد.

سردار در عراق به دنیا آمد ولی هرگز فراموش نکرد که ایرانی است و پیوسته در پی فرصتی بود تا بتواند به میهنی که به آن تعلق داشت برگردد و به سرزمین و آب و خاکی که به آن عشق می‌ورزید خدمت کند، آنجا که به نمایندگان حفاظت اطلاعات وقت ارتش شاهنشاهی که از تولد ایشان در نجف می‌پرسند صریح و قاطع پاسخ می‌دهد که: «من ایرانی هستم و به ایرانی بودن خودم افتخار می‌کنم.» این اطمینان را بوجود می‌آورد که در گذر ایام هرگز عشق به وطن را از یاد نبرده و وقتی این عشق با ایمان و تعهد آمیخته می‌شود و رنگ دفاع از اسلام بر خود می‌گیرد سر از پا نشناخته به سوی خصم روان می‌شود. سرانجام در پی حمله همه جانبه عراق به ایران در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ فرصتی که سردار به دنبال آن بود به دست آمد و ایشان که از عراق آمده بود دوباره به عراق بازگشت اما این بار نه در هیئت یک جوینده کار بلکه در قالب رزمنده‌ای سلاح بر دوش که می‌رفت تا با آزادسازی بخش‌هایی از آن سرزمین مردم را از جور حزب بعث حاکم بر عراق رهایی بخشد. ایشان از اولین روزهای جنگ و حتی مدتها قبل از آن با حضور در سرزمین به آشوب کشانده شده کردستان سلاحی را به دست گرفت که تا پایان جنگ بر زمین نگذاشت، وی طی دو مرحله حضور در کردستان توانست همپای سایر رزمندگان استان نقش ارزنده‌ای در برگرداندن ثبات و امنیت و آرامش به این خطه از سرزمین اسلامی ایران ایفا کند. سردار از

پیشقراولان نبرد با گروهکهای ضد انقلاب در کردستان است. همچنانکه در صحنه‌های دفاع از میهن اسلامی نیز در شمار اولین رزمندگان جای می‌گیرد، او توانست در سمت جانشین فرماندهی اولین گردان اعزامی به جنوب منشأ خدمت به سایر رزمندگان شود، و از آن تاریخ تقریباً در تمام عملیات‌هایی که توسط لشکر ۴۱ ثار... انجام شد حضور و مسئولیت داشت، با این همه آنچنان متواضع است که آنچه را که در ۸ سال دفاع مقدس و قبل از آن در نبرد با گروهک‌های ضد انقلاب در کردستان انجام داده است بیان نمی‌کند و آنجا که به زحمت راضی به سخن گفتن می‌شود فقط به عملکرد دیگران می‌پردازد، گویی که وی در هیچ یک از آن صحنه‌ها حضور نداشته و هرگز سلاح به دست نگرفته است و این تواضع نگارنده را با مشکلات بسیار روبرو می‌کند.

انتخاب نام «از عراق تا عراق» برای این نوشتار از شرح زندگی و خاطرات سردار به ذهن نویسنده آمد، زیرا همچنان که گفتیم ایشان در عراق متولد شد و تمام دوران کودکی و بخشی از نوجوانی خود را در آن کشور گذراند، سپس به ایران آمد و سالها بعد وقتی جوانان مسلمان این مرز و بوم برای مقابله با ارتش تاندان مسلح عراق به سوی جبهه‌ها هجوم آوردند او نیز به جبهه رفت و با متجاوزان بعثی جنگید و پس از آزادسازی بخش‌هایی از میهن اسلامی که در آغازین روزهای نبرد به تصرف ارتش عراق درآمده بود برای اولین بار در عملیات والفجر ۸ از اروند گذشت و قدم بر خاک فاو گذاشت و به نوعی یکبار دیگر به عراق بازگشت. او که در سال ۱۳۵۰ از عراق آمده بود در سال ۱۳۶۴ به عراق رفت.

سردار رحیمی اینک در لباس پاسداری و با درجه سرتیپ دومی در سمت معاون هماهنگ کننده قرارگاه مقدم قدس نیروی زمینی سپاه مشغول خدمت است. وی که در عملیات‌های رمضان و کربلای ۵ به شدت مجروح شده جانباز ۶۰ درصد می‌باشد. با وجود این هیچ وقت در بیان خاطراتش مستقیماً به این موضوع اشاره نکرد و اگر نبود مشکل ایشان در راه رفتن، شاید

نگارنده هرگز متوجه این امر نمی‌شد. آنچه که پیش روی شماسست فقط گوشه‌هایی از خاطرات سردار است، قطره‌ای است از اقیانوس بی‌کران ایثار و شهادت و از خودگذشتگی. امید است در آینده نزدیک خاطرات ایشان و خاطرات سایر سرداران و رزمندگان بصورت کامل در اختیار عموم قرار گیرد.

در خاتمه از سرکارخانم اشرف سیف الدینی و از مدیرکل محترم اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس کرمان سرهنگ پاسدار حاج مهدی صدقی که امکان تدوین این خاطرات را فراهم کردند تشکر می‌نمایم.

عباس میرزایی بهمن ۱۳۸۳